

## بررسی تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی:

### (مطالعه دانشجویان عضو تشکلهای انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی دانشگاههای مازندران و صنعتی نوشیروانی بابل)<sup>۱</sup>

قربانعلی ابراهیمی<sup>۲</sup>

علی بابازاده بائی<sup>۳</sup>

حسین ابراهیمی گتابی<sup>۴</sup>

#### چکیده:

تحقیق حاضر در صدد سنجش میزان اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان عضو انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی دانشگاههای مازندران و صنعتی نوشیروانی بابل است. همچنین سعی شده است تا تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی مورد بررسی و آزمون قرار گیرد. چارچوب نظری تحقیق نیز مبتنی بر نظریه پاتنام درباره تأثیر اعتماد بر مشارکت و همکاری است. روش تحقیق حاضر، پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق کلیه دانشجویان عضو انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی دانشگاه مازندران و دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل است که تعداد کل آنها ۴۰۰ نفر می‌باشد. در این تحقیق تعداد ۲۰۰ نفر از اعضای فعال هر دو تشکل به عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه‌گیری در این تحقیق بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای نامتناسب صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میانگین اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان عضو بسیج دانشجویی بیشتر از میانگین اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان عضو انجمن اسلامی است. بین اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در رگرسیون خطی ساده نیز مشخص گردید که تأثیر اعتماد بر مشارکت سیاسی معنادار است و متغیر اعتماد سیاسی ۳۷ درصد تغییرات متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) را توضیح می‌دهد. در ضمن داده‌ها نشان می‌دهد که اگرچه تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان عضو انجمن اسلامی معنادار است. اما تأثیر آن بر مشارکت سیاسی اعضای بسیج، معنادار نیست.

**کلید واژه:** اعتماد سیاسی، مشارکت سیاسی، تشکلهای دانشجویی دانشگاههای مازندران و صنعتی نوشیروانی بابل، انجمن اسلامی، بسیج دانشجویی.

۱- تاریخ وصول: ۹۰/۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۳۰

۲- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران ghorbanAliebrahimi@gmail.com

۳- کارشناس ارشد رشته جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه مازندران alibabazadeh86@yahoo.com

۴- کارشناس علوم اجتماعی دانشگاه مازندران hasan.ebrahimigataby@gmail.com

## ۱- مقدمه و بیان مسأله

دولت به عنوان مهمترین نهاد سیاسی در هوا معلق نیست بلکه در متن شبکه‌ی پیچیده‌ای از منافع و علایق اجتماعی قرار دارد و نمی‌توان بدون شناخت این منافع و علایق، سرشت آن را به‌درستی درک کرد. این نهاد گرچه عالی‌ترین مظهر قدرت سیاسی است لیکن خود فارغ از سلطه‌ی نیروهای اجتماعی نیست. چرا که هم عرصه‌ی کشمکش نیروهای اجتماعی و هم مظهر سلطه‌ی بخشی از آنها بر بخش‌های دیگر است (بشیریه، ۱۳۸۵، ۱۳). یکی از عواملی که در بحث رابطه بین مردم و دولت مهم جلوه می‌کند، اعتماد سیاسی است. تحقیقات انجام‌شده در کشورمان نشان می‌دهد که اعتماد سیاسی از اول انقلاب تاکنون فراز و نشیب‌های زیادی را سپری نموده که در بیشتر مواقع سیر نزولی داشته‌است. از آنجا که تلاش و هدف دولت‌های بعد از انقلاب برآوردن انتظارات و توقعات مردم است، انتظار می‌رود که اعتماد سیاسی مردم رو به افزایش باشد، نه کاهش (شایگان، ۱۳۸۷، ۱۵۳).

نظام‌های سیاسی بر پایه اعتماد عمومی و اراده‌ی مردم استوار می‌گردند و استمرار و اقتدار آنها وابسته به مشارکت و دخالت مردم است. این مشارکت در قالب‌های مختلفی شکل می‌گیرد که از جمله آن می‌توان به شرکت مردم در انتخابات و همه‌پرسی‌ها، حساسیت نسبت به نوع جریان امور در کشور، میزان دلبستگی آنها به نظام حاکم بر جامعه و حمایت از آن اشاره نمود. حکومتی که توان اعمال زور را از دست بدهد و دستگاه‌های سرکوب آن تضعیف شوند، حکومتی ناپایدار خواهد بود. گرچه اعمال زور مهمترین ابزار نظام سیاسی است لیکن حکومت‌ها نیازمند جلب حمایت و رضایت مردم نیز هستند تا قدرت خویش را مشروع جلوه دهند. وقتی اطاعت و تابعیت مردم از حکومت مبتنی بر دلایل و اصول کلی اخلاقی باشد قدرت و اجبار دولتی با سهولت بیشتری پذیرفته می‌شود. ترغیب مردم به پذیرش قدرت در قالب عقاید، افسانه‌ها و ایدئولوژی‌ها یکی از مبانی و چهره‌های دیرین نهاد دولت به شمار می‌رود (بشیریه، ۱۳۸۵، ۱۳ و ۱۴).

مفهوم مشارکت سیاسی یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مفاهیم در جامعه‌شناسی سیاسی و علوم سیاسی می‌باشد که تاریخ اندیشه سیاسی آن را نشان می‌دهد. امروزه متفکران و صاحب‌نظران توسعه مشارکت را از مهمترین ارکان توسعه به شمار می‌آورند و در توسعه سیاسی برای آن اهمیتی دو چندان قائل‌اند.

باید گفت مشارکت سیاسی از ضرورت‌های جدانشدنی و انکارناپذیر نظام‌های سیاسی در قرن بیستم و بیست‌ویکم است و اصلی‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی سیاسی، پاسخ به نیازهای فزاینده مشارکت سیاسی و نهادینه‌کردن آن در قالب نهادهای مدنی است. بدون تردید نحوه و حدود مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی-اجتماعی خویش در هر جامعه‌ای، تابع هنجارها و ارزش‌ها و چارچوب‌های پذیرفته‌شده در آن

جامعه است. چنانکه عملکرد نظام‌های سیاسی مشارکت‌گرا و نظریه‌پردازی فلاسفه و اندیشمندان نیز همین چارچوب‌ها بوده است (حسینی، ۱۳۸۱، ۸).

در جوامعی که مشارکت و رقابت سیاسی در آنها گسترش می‌یابد و عامه مردم حضور فزاینده‌ای در عرصه فعالیت‌های سیاسی پیدا می‌کنند نیاز به آموزش مدنی به نحو فزاینده‌ای آشکار می‌گردد. منظور از آموزش مدنی، انتقال آگاهی، نگاه‌ها و دیدگاه‌هایی به عامه مردم است که آنها را هرچه بیشتر برای احراز شأن شهروندی در جامعه‌ای مردم‌سالار آماده سازند (بشریه، ۱۳۷۷، ۲).

بزرگ‌ترین نماد مشارکت سیاسی و روشن‌ترین نمود دخالت مردم در امور سیاسی، شرکت آنان در انتخابات است و هرچه میزان مشارکت مردم در گزینش زمامداران و یا نمایندگان بیشتر باشد، حکومت از مقبولیت، استحکام اجتماعی و ثبات سیاسی بیشتری برخوردار خواهد بود. پس دموکراسی و حاکمیت مردم، از طریق حضور و مشارکت آنان در صحنه‌های انتخابات و تعیین سرنوشت جمعی تبلور می‌یابد. در خصوص رابطه بین اعتماد سیاسی با مشارکت سیاسی در میان دانشجویان پژوهشی که مستقلاً و مستقیماً به جستجو در این موضوع پردازد، یافت نشد. تلاش علمی برای شناخت اعتماد سیاسی و چگونگی رابطه‌ی آن با مشارکت سیاسی و شناخت تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی از ضرورت‌های انجام این پژوهش به حساب می‌آید. بنابراین پرسش‌های اساسی تحقیق حاضر این است که میزان اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دو شکل انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی چقدر است؟ و اعتماد سیاسی چه میزان از مشارکت سیاسی دو شکل را تعیین می‌کند؟

## ۲- پیشنهاد تحقیق

از کیا و غفاری در سال ۱۳۸۰ به بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان پرداختند. استنباط آماری از داده‌ها نشان دهنده وجود نوعی همبستگی معنادار، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی است. وثوقی و هاشمی (۱۳۸۳) در پژوهش خود تحت عنوان «روستائیان و مشارکت سیاسی در ایران» به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی روستائیان پرداختند. در این پژوهش که به روش پیمایشی و با حجم نمونه ۲۵۰ نفر انجام شد، فرضیه اصلی این بود که با بهبود شاخص‌های اجتماعی، مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد. این فرضیه در دو بعد مشارکت سیاسی رسمی و غیر رسمی مورد بررسی و سنجش قرار گرفت. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مشارکت سیاسی غیر رسمی همراه با افزایش سطح تحصیلات، ارتباط با شهر و استفاده از رسانه‌های گروهی افزایش می‌یابد. اما در مورد مشارکت سیاسی رسمی باید گفت که بیشترین میزان مشارکت به کسانی اختصاص داشت که میزان ارتباطشان با شهر در حد متوسط و سطح تحصیلات آنها ابتدایی بوده است. همچنین اعتماد به دولت رابطه معناداری

با مشارکت سیاسی رسمی داشته است در حالی که رابطه آن با مشارکت سیاسی غیر رسمی معنادار نبوده است. در رگرسیون خطی چند متغیره نیز مشخص گردید که متغیرهای مطرح شده در پژوهش ۵۴ درصد تغییرات متغیر مشارکت سیاسی رسمی را توضیح می‌دهند در حالی که این میزان در مورد مشارکت سیاسی غیر رسمی ۳۹ درصد می‌باشد.

پژوهشی که توسط پناهی و عالی زاد (۱۳۸۴) تحت عنوان «بررسی نقش وسایل ارتباط جمعی در مشارکت سیاسی» در تهران انجام شد، تعداد ۴۳۰ نفر (بالای ۱۹ سال) از ساکنان شهر تهران را به روش پیمایشی مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش وسایل ارتباط جمعی به دو بخش وسایل ارتباط جمعی داخلی و خارجی تفکیک گردید تا تأثیر استفاده از هر وسیله ارتباطی بر میزان مشارکت سیاسی به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی داخلی و میزان مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنا که با افزایش میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی داخلی، میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد. در مقابل بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی خارجی (شبکه‌های ماهواره‌ای) و مشارکت سیاسی رابطه منفی و معناداری برقرار است. بدین معنی که با افزایش میزان استفاده از این وسایل، از میزان مشارکت سیاسی کاسته می‌شود. همچنین مشخص گردید که در میان وسایل ارتباط جمعی داخلی، روزنامه‌ها بیشترین نقش، رادیو و خصوصاً تلویزیون کمترین نقش را در این زمینه ایفا می‌کنند.

خوش فر (۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود تحت عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی: مطالعه موردی استان گلستان» ۵۰۲ نفر از جوانان این استان را به شیوه پیمایشی مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های این محقق نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی انتخاباتی با اعتماد کل، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد در روابط شخصی، اعتماد نهادی و اعتماد سیاسی رابطه معناداری دارد. در حالی که هیچ‌یک از مؤلفه‌های اعتماد (به جز اعتماد شخصی) و شاخص اعتماد کل با شاخص مشارکت سیاسی کل رابطه معناداری ندارند. مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی نیز فقط با اعتماد در روابط شخصی، اعتماد نهادی کل و اعتماد نهادی سیاسی رابطه معناداری دارد. در حالی که با شاخص اعتماد (کل)، اعتماد تعمیم‌یافته و قابلیت اعتماد به عموم رابطه معناداری ندارد. لازم به ذکر است که این رابطه با اعتماد در روابط شخصی و اعتماد سیاسی مثبت است، در حالی که با اعتماد نهادی کل، رابطه منفی است. همچنین اعتماد شخصی به معنی اعتماد به نزدیکان مانند خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان و همکاران نیز موجب افزایش مشارکت سیاسی می‌شود.

جی یونگ کیم<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) از جمله محققانی است که به تحقیق درباره سرمایه اجتماعی پرداخته و تلاش نمود تا روابط بین سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی را در کره جنوبی مورد بررسی قرار دهد. وی

در پژوهش خود به این نتیجه رسید که دو مقوله‌ی درگیری جمعی و اعتماد اجتماعی رابطه‌ای با اعتماد به نهادهای سیاسی و التزام به رأی دادن ندارند. در پایان محقق این پیشنهاد را مطرح می‌کند که نهاد اجرایی یک عامل تعیین‌کننده در التزام سیاسی است.

کرت و دیگران<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در تحقیق خود تحت عنوان «اعتماد سیاسی در کانادا و نقش عوامل اقتصادی و سیاسی بر آن»، ۲۰۰۰ نفر (بالای ۱۸ سال) را به شیوه پیمایشی مورد بررسی قرار دادند. آنها با آگاهی از این که اعتماد سیاسی نسبت به نهادهای عمومی در کانادا و کشورهای دیگر کاهش یافته است، کوشیدند تا به بررسی عوامل اقتصادی و سیاسی بپردازند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که در کنار عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی نیز بر کاهش اعتماد سیاسی تأثیرگذار است. در تحلیل رگرسیون نیز مشخص گردید که نقش عوامل سیاسی در این کاهش بیشتر است.

### ۳- چارچوب نظری تحقیق

از دیدگاه میلبرات و گوئل چهار عامل بر مشارکت تأثیر می‌گذارند که عبارتند از: انگیزه‌های سیاسی، موقعیت، ویژگی‌های شخصی و محیط سیاسی. به نظر آنها هرچه فرد بیشتر در معرض انگیزه‌های سیاسی به صورت بحث درباره سیاست، تعلق به سازمانی که به شکلی به فعالیت سیاسی می‌پردازند یا دسترسی- داشتن به اطلاعات سیاسی مربوط، قرار داشته باشد احتمال مشارکت سیاسی وی بیشتر است. اما مشارکت سیاسی بر طبق ویژگی‌های شخصی فرد نیز تغییر می‌یابد. شخصیت‌های اجتماعی‌تر، مسلط‌تر و برون‌گراتر احتمالاً از نظر سیاسی فعال‌ترند. موقعیت اجتماعی که با میزان تحصیلات، محل سکونت، طبقه و قومیت سنجیده می‌شود، در مشارکت سیاسی تأثیرگذار است. محیط یا زمینه سیاسی نیز مهم است. از این نظر که فرهنگ سیاسی ممکن است مشارکت و شکل یا شکل‌های مشارکت را که مناسب تلقی می‌گردد تشویق کند یا به عکس، مشوق مشارکت نباشد (راش، ۱۳۸۱، ۱۳۵).

رابرت دال یکی دیگر از نظریه پردازانی است که تلاش کرد تا پدیده «گرایش و عدم گرایش افراد به مشارکت سیاسی» را تبیین کند. در این خصوص، وی معتقد است: اگر میزان اثربخشی سیاسی بالا باشد، میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد و اگر میزان اثربخشی سیاسی پایین باشد، بی‌تفاوتی را به ارمغان می‌آورد. به نظر وی، وقتی افراد تصور کنند آنچه انجام می‌دهند اثر قابل توجهی بر نتایج سیاسی خواهد گذاشت، بیشتر در امور سیاسی درگیر می‌شوند و بعکس.

دال معتقد است که کسی نمی‌تواند تأثیر عقاید و عمل سیاسی خود را بر دیگران انکار نماید. به نظر او، در سیاست (برخلاف علوم طبیعی) بین نظر علمی و عقاید، یعنی معرفت سیاسی و عقیده سیاسی

فاصله‌ای نیست. بنابراین، برای دال این نکته آشکار است که عقاید سیاسی همانند نیاز به امنیت و تهدید امنیت، در عمل سیاسی فرد اثر می‌گذارند و ساختار و کارکرد نهادها و نظام‌های سیاسی را متأثر می‌سازند.

گزاره‌های اصلی نظریه رابرت دال درباره مشارکت سیاسی عبارت است از:

۱. مردم به دلیل اینکه فکر می‌کنند مشارکت یا عدم مشارکت آنها تأثیری در نتیجه کار دارد، بی-تفاوت نیستند.

۲. مردم با اعتقاد به اینکه نتیجه مشارکت آنها احتمالاً تهدید باشد، بر ایشان قابل قبول نیست و مشارکت می‌کنند.

۳. مردم به دلیل آگاهی از جریان سیاسی، مشارکت خود را اثربخش تلقی می‌کنند (دال، ۱۳۷۴، ۹۴-۹۵).

وی همچنین معتقد است که هرچه فعالیت‌های سیاسی پردرسترتر، وقت‌گیرتر و پرخرج‌تر یا دشوارتر باشد، به همان نسبت افراد کمتر به آنها جلب می‌گردند. بنابراین حضور افراد در فرایند گزینش نخبگان سیاسی از طریق شرکت در انتخابات بیشتر از دیگر سطوح مشارکت سیاسی خواهد بود و عدم حضورشان نیز در این سطح ابتدایی نمایان است (پناهی و عالی زاد، ۱۳۸۴، ۹۹).

رابرت دوز و سیمور مارتین لیپست نیز در تجزیه و تحلیل خود درباره رفتار سیاسی مردم کشورهای آمریکا، کانادا، بریتانیا، و استرالیا بر روی متغیرهایی تأکید می‌ورزند که به اعتقادشان بر مشارکت سیاسی تأثیر مهمی دارند. مهمترین این عوامل عبارتند از: باورهای مذهبی، جنسیت، سن، نوع شغل، نژاد، روستایی یا شهری بودن افراد، طبقه اجتماعی و پیوندهای منطقه‌ای. از نظر آن دو در کشورهای فوق (به غیر از آمریکا) عوامل جنسیت و سن از جمله متغیرهای مهم و مؤثر بر مشارکت سیاسی است. به‌عنوان مثال آنها معتقدند که زنان بیشتر از مردان نسبت به مسایل سیاسی و مشارکت در آنها علاقه نشان می‌دهند. همچنین افراد شهرنشین در مقایسه با افراد روستانشین علاقه و رغبت زیادی نسبت به مسایل سیاسی دارند. از نظر این دو محقق شدت تأثیرگذاری عوامل مذکور در همه کشورها به یک اندازه نبوده و نمی‌توان به یک الگوی ثابتی در رفتار مشارکتی شهروندان دست یافت. به‌عنوان نمونه میان موقعیت اجتماعی افراد جامعه و پنداشت‌های سیاسی و گرایش‌های عقیدتی و حزبی آنها رابطه‌ی ثابتی وجود ندارد. مثلاً ممکن است، افرادی که وضعیت اقتصادی مطلوبی ندارند در همه‌ی فعالیت‌های سیاسی خود بیشتر به نفع احزاب و گروه‌های محافظه‌کار و افراد سرمایه‌دار رأی دهند. یا برعکس، بسیاری افرادی که وضع اقتصادی بهتری دارند اما ترجیح می‌دهند به کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها رأی دهند (نوربخش و محمد نژاد، ۱۳۸۶، ۱۶۷ و ۱۶۸).

به نظر آندریس و اپتر که به جنبه رأی‌دادن در مشارکت سیاسی توجه ویژه‌ای دارند، گاهی بی‌تفاوتی سیاسی منجر به رأی اعتراضی می‌گردد. بدین صورت که رأی‌دهندگان از طریق رأی دادن به احزاب یا

نمایندگان مخالف، اعتراض خود را به احزاب حاکم نشان می‌دهند. گرچه به اعتقاد آنها عواملی چون تورم، درآمد اشخاص و بیکاری بر بی‌تفاوتی و رأی‌دهی مؤثر است ولی تأکید خاصی بر وسایل ارتباط جمعی به عنوان یکی از دلایل عمده بی‌تفاوتی سیاسی دارند و معتقدند که این وسایل به دلیل عدم اطلاع-رسانی دقیق به رأی‌دهندگان درباره مواضع نامزدها در قبال مسائل خاص، باعث افزایش بی‌تفاوتی می-گردند(پناهی و عالی زاد، ۱۳۸۴، ۱۰۰).

نظریه مطرح شده از سوی آنتونی داونز درباره مشارکت سیاسی نیز محدود به رفتار رأی دادن است. از نظر وی شهروندان، کنشگرانی عقلانی و محاسبه‌گرند که همواره تلاش می‌کنند تا هزینه‌ها را به حداقل و منافع را به حداکثر برسانند. از سویی دیگر، احزاب نیز برای به حداکثر رساندن رأی خود تلاش می‌کنند. از نظر وی عواملی چون بزرگ‌بودن حوزه انتخابیه، انتخابات فراوان و ورقه‌های رأیی که در آن رأی‌دهنده باید تعداد بسیاری از کاندیداها را انتخاب کند، میزان مشارکت در انتخابات را کاهش می‌دهد. تبیین داونز این است که افراد در چنین شرایطی درک منافع واقعی خود را دشوارتر می‌یابند. چون پیش‌بینی نتیجه دشوارتر است. در انتخاباتی که مبارزات در آن شدید است، همچنین در انتخابات مهم و در انتخاباتی که در آن مسائل به‌روشنی تعریف شده‌اند معمولاً تعداد شرکت‌کنندگان بیشتر است. چون از آنجا که انتخابات مهم در منافع افراد تأثیر می‌گذارند، افراد بیشتر احتمال دارد بتوانند در نتیجه انتخاباتی که در آن مبارزات شدید است تأثیر بگذارند و مسائلی که به روشنی تعریف شده‌اند به افراد این امکان را می‌دهند تا منافعشان را آسانتر درک کنند(راش، ۱۳۸۱، ۱۴۰).

پوتنام نیز در قالب بحث سرمایه‌اجتماعی به نظریه‌پردازی در باب اعتماد می‌پردازد. وی بیشتر به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی در سطح ملی علاقمند می‌باشد و بر نحوه تأثیرگذاری سرمایه‌اجتماعی بر رژیم‌های سیاسی و نهادهای دموکراتیک مختلف تأکید دارد(شارع پور، ۱۳۸۵، ۳۵). وی با مطالعه دموکراسی در ایتالیا دریافت که برخی مناطق دارای سازمان‌های مدنی بسیار فعال هستند و شهروندان این مناطق در مسائل عمومی مشارکت زیادی دارند. آنها اطمینان دارند که دیگران عادلانه عمل می‌کنند و از قوانین پیروی می‌کنند. رهبران این جوامع نسبتاً صادق هستند و به برابری پایبندند.

شبکه‌های اجتماعی و سیاسی نیز به‌صورت افقی سازماندهی شده‌اند نه سلسله‌مراتبی. این «جوامع مدنی» همبستگی، مشارکت مدنی و درستکاری را ارزشمند می‌شمارند. در این مناطق دموکراسی حکمفرماست. اما در مناطق دیگر مفهوم شهروندی از رشد بازمانده است.

میزان مشارکت در انجمن‌های اجتماعی و فرهنگی بسیار ناچیز است. از دیدگاه ساکنان، مسائل عمومی به دیگران یعنی به رؤسا و سیاستمداران ارتباط دارد نه به آنها. تقریباً همه بر این باورند که قوانین برای نقض کردن نوشته شده‌اند ولی از ترس «بی‌قانونی» دیگران، همه خواستار انضباط شدیدتر هستند.

همه در این دوره‌های باطل به هم پیوسته گرفتار آمده‌اند و با احساس ضعف، استئمار و ناخشنودی دست به گریبانند. تحت این شرایط حکومت مبتنی بر نمایندگی این مناطق ناکارآمدتر از مناطق و جوامعی است که در آن مدنیت بیشتر است (تاجبخش، ۱۳۸۴، ۹۷).

به بیانی دیگر، به اعتقاد پوتنام تفاوت در سرمایه اجتماعی (اعتماد) علت اصلی ایجاد تفاوت بین مناطق مختلف در زمینه اجتماع مدنی است. یعنی مناطقی که میزان اعتماد آن بالاتر است، سطح مشارکت در آن منطقه نیز بیشتر خواهد بود. لازم به ذکر است که اساس و بنیان این تحقیق بر پایه نظریه پوتنام درباره تأثیر اعتماد بر مشارکت و همکاری قرار دارد.

#### ۴- فرضیه تحقیق

پژوهش حاضر درصدد آزمون فرضیه‌های زیر می‌باشد:

(۱) به نظر می‌رسد که افزایش میزان اعتماد سیاسی منجر به افزایش سطح مشارکت سیاسی شود.

(۲) به نظر می‌رسد که بین اعتماد سیاسی دانشجویان عضو بسیج و انجمن اسلامی، تفاوت معناداری وجود داشته باشد.

(۳) به نظر می‌رسد که بین دانشجویان عضو بسیج و انجمن اسلامی، به لحاظ میزان مشارکت سیاسی، تفاوت معناداری وجود داشته باشد.

#### ۵- جامعه آماری و روش پژوهش

جامعه آماری تحقیق حاضر را اعضای فعال بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی دانشگاه مازندران (واحد پردیس) و دانشگاه نوشیروانی بابل تشکیل می‌دهند که تعداد آنها ۴۰۰ نفر می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش نیز، پیمایشی بوده و داده‌های تحقیق نیز یک ماه قبل از انتخابات ۱۳۸۸ جمع‌آوری گردیده است.

#### ۶- حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

با توجه به زمان محدود انجام این پژوهش و تعداد محدود کسانی که عضو انجمن اسلامی هستند و با توجه به اینکه باید بین این دو گروه در میزان اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی مقایسه‌ای صورت بگیرد تا حد امکان سعی شده است که نمونه مورد تحقیق از لحاظ اندازه به تعداد مناسب و از هر لحاظ همگن باشد لذا جمعیت نمونه ما ۲۰۰ نفر از افراد فعال انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی در نظر گرفته شد. در ارتباط با شیوه نمونه‌گیری نیز باید گفت که در این پژوهش از شیوه طبقه‌ای نامتناسب استفاده شده است.



### ۷- اعتبار<sup>۱</sup> و پایایی<sup>۲</sup> تحقیق

در این پژوهش، اعتبار مورد نظر مبتنی بر اعتبار صوری می‌باشد. برای تعیین پایایی شاخص‌ها و گویه‌های این پژوهش از آلفای کرونباخ استفاده گردید. میزان آلفای به دست آمده برای گویه‌های اعتماد سیاسی تقریباً ۰/۹۵ و آلفای به دست آمده برای گویه‌های مشارکت سیاسی برابر با ۰/۸۹ می‌باشد.

### ۸- تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

#### ۸-۱- مشارکت سیاسی

تعاریف متعددی از مشارکت سیاسی ارائه شده‌است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:  
۱- درگیر شدن فرد در سطوح مختلف نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام سیاسی (راش، ۱۳۸۱، ۱۲۳).

۲- برعهده گرفتن آگاهانه امری در شکل همکاری با میل و رغبت و نیاز، با هدف بهبود زندگی اجتماعی (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰، ۹۲).

۳- درگیری فکری و احساسی یک شخص در یک وضعیت گروهی. این درگیری، شخص را تشویق می‌کند که به هدف‌های گروهی کمک کند و در مسؤلیت آنها سهیم باشد (آبرکرامبی، ۱۳۷۶، ۲۷۶).

۴- شرکت در امور سیاسی و گزینش رهبران سیاسی توسط مردم. در مواردی مشارکت سیاسی فقط از طریق رأی تحقق می‌یابد ولی در بسیاری از موارد، بعضی بدان قناعت نمی‌کنند و در تبلیغات سیاسی، یا شرکت در احزاب، ایفای نقش می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۷۰، ۵۲۲).

تعدادی از این تعاریف بر شرایط اجتماعی مؤثر در افزایش مشارکت تأکید کرده‌اند و تعدادی عوامل فردی و روانی را مهم دانسته‌اند. در این مقاله مشارکت سیاسی به معنی شرکت در انتخابات در نظر گرفته شده است. یعنی بُعد انتخاباتی مشارکت مد نظر می‌باشد.

برای سنجش مشارکت انتخاباتی سه گویه (شرکت در انتخابات مجلس، شورای شهر یا روستا و ریاست جمهوری) در نظر گرفته شده‌است.

#### ۸-۲- اعتماد سیاسی

اعتماد سیاسی به فکر و احساس مردم درباره‌ی سیاستمداران و سیاست اشاره دارد. اعتماد سیاسی معمولاً به‌طور غیرمستقیم و با فاصله و غالباً از طریق رسانه‌ها، به وجود می‌آید و برای زندگی پایدار و

1-Validity

2-Reliability

دموکراتیک ضرورت دارد. این نوع اعتماد همانند اعتماد اجتماعی، بازتاب شرایط بیرونی و عینی است و ویژگی شخصیت‌های اعتمادکننده نیست، بلکه نوعی ارزیابی جهان سیاسی است. آمارهای این نوع اعتماد نشان می‌دهد که مردم تا چه حد از نظام سیاسی خود راضی‌اند. اعتماد کمتر نشان می‌دهد که نظام سیاسی - سیاستمداران، نهادها یا هر دو - اشکال دارد.

ممکن است عملکرد آنها ضعیف باشد یا انتظارات مردم بیش از حد بالا باشد، اما در هر حال، کمبود اعتماد نشان می‌دهد که یک جای کار عیب دارد (نیوتن، ۱۳۸۰، ۴۳).

نویسندگان مقاله «اعتماد سیاسی در کانادا و نقش عوامل اقتصادی و سیاسی بر آن» برای سنجش اعتماد سیاسی به شش معرف (اعتماد به مجلس، دولت، ارتش، سیاستمداران، خدمات شهری و دادگاه عالی) توجه داشتند (Crête et al, 2006, 5). در مقاله حاضر دو بعد اعتماد سیاسی یعنی اعتماد به کنشگران سیاسی و اعتماد به نهادهای سیاسی مد نظر قرار گرفته است.

برای اعتماد به کنشگران سیاسی از ۸ گویه استفاده شد که شامل اعتماد به رئیس جمهور، قضات، وزراء، اعضای شورای شهر و روستا، روزنامه نگاران و خبرنگاران، استانداران، فرمانداران، سیاستمداران می‌باشد. در مورد اعتماد به نهادهای سیاسی از ۹ گویه استفاده شد که عبارتند از: اعتماد به دولت، روحانیت، ارتش، بسیج، سپاه پاسداران، مطبوعات داخلی، نیروی انتظامی، مجلس، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی داخلی.

#### ۹- توصیف یافته‌های تحقیق

تعداد نمونه در این پژوهش ۲۰۰ نفر می‌باشد که از این تعداد ۱۰۰ نفر (معادل ۵۰ درصد) عضو انجمن اسلامی و تعداد ۱۰۰ نفر (معادل ۵۰ درصد) عضو بسیج‌اند.

دامنه سنی پاسخگویان نیز بین ۱۸ تا ۳۳ سال قرار دارد. ۸۹/۵ درصد پاسخگویان مجرد و ۱۰/۵ درصد باقی مانده متأهل‌اند. همچنین تعداد اعضای خانواده‌ی پاسخگویان از ۲ نفر تا ۱۰ نفر در نوسان می‌باشد. ۷۵ درصد پاسخگویان در دانشگاه مازندران و ۲۵ درصد در دانشگاه صنعتی بابل مشغول به تحصیل‌اند. پاسخگویان عضو دانشکده‌های هنر و معماری، حقوق و علوم سیاسی، علوم انسانی و اجتماعی، اقتصاد، عمران و برق بوده و در رشته‌های اقتصاد، حسابداری، مدیریت، حقوق، علوم سیاسی، علوم اجتماعی، مردم‌شناسی، شهرسازی، معماری، عمران و برق تحصیل می‌کنند.

همچنین ۱/۰ درصد از پاسخگویان خود را متعلق به طبقه‌ی پایین، ۱۳/۱ درصد خود را متعلق به طبقه‌ی متوسط رو به پایین، ۵۳/۰ درصد خود را متعلق به طبقه‌ی متوسط، ۲۵/۸ درصد خود را متعلق به طبقه‌ی متوسط رو به بالا و ۷/۱ درصد خود را متعلق به طبقه‌ی بالا می‌دانند.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنس به تفکیک عضویت در دو گروه

متغیر	عضویت در بسیج دانشجویی		عضویت در انجمن اسلامی		کل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
مرد	۶۴	۶۴	۶۷	۶۷	۱۳۱	۶۵/۵
زن	۳۶	۳۶	۳۳	۳۳	۶۹	۳۴/۵
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰

یافته‌های جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که ۶۴ درصد پاسخگویان بسیجی، مرد و ۳۶ درصد آنان زن می‌باشند. در مورد پاسخگویان عضو انجمن نیز باید گفت که ۶۷ درصد آنان مرد و ۳۳ درصد آنان زن هستند. در مجموع ۶۵/۵ درصد پاسخگویان، مرد و ۳۴/۵ درصد آنان، زن می‌باشند.

جدول شماره ۲: توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت سیاسی

شرکت در انتخابات:	هیچ وقت	خیلی کم	گاهی اوقات	اکثر اوقات	همیشه	بی پاسخ	کل	میانگین
ریاست جمهوری	۴/۰	۲/۰	۹/۰	۲۴/۰	۶۱/۰	۰	۱۰۰	۴/۳۶
مجلس	۷/۰	۸/۵	۸/۰	۲۴/۰	۵۲/۵	۰	۱۰۰	۴/۰۶
شورای شهر و روستا	۱۲/۰	۴/۰	۹/۵	۲۱/۵	۵۲/۰	۱/۰	۱۰۰	۳/۹۸
کل	۷/۷	۴/۸	۸/۸	۲۳/۲	۵۵/۲	۰/۳	۱۰۰	---

توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت سیاسی در جدول شماره ۲ آمده است. یافته‌های جدول مذکور نشان می‌دهد که:

(۱) ۴ درصد پاسخگویان هیچ وقت در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکرده‌اند اما ۶۱ درصد آنان همیشه در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده‌اند.

(۲) ۷ درصد پاسخگویان هیچ وقت در انتخابات مجلس شرکت نداشته‌اند. اما ۵۲ درصد آنان همیشه در انتخابات مجلس شرکت داشته‌اند.

(۳) ۱۲ درصد پاسخگویان هیچ وقت در انتخابات شورای شهر و روستا شرکت نکرده‌اند اما ۵۲ درصد آنان همیشه در انتخابات شورای شهر و روستا شرکت کرده‌اند.

(۴) تقریباً ۸ درصد پاسخگویان هیچ وقت در انتخابات شرکت نداشته‌اند اما تقریباً ۸۷ درصد افراد در بیشتر مواقع یا همیشه در انتخابات شرکت داشته‌اند.

(۵) بیشترین میانگین به مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری و کمترین میانگین به مشارکت در انتخابات شورای شهر و روستا اختصاص دارد. مقایسه دو میانگین، تفاوت تقریباً ۸ درصدی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: توزیع درصدی پاسخگویان برحسب میزان اعتماد سیاسی

نوع اعتماد	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	پاسخ نداده	کل
اعتماد به کنشگران سیاسی	۱۵/۷۵	۱۵/۸۸	۳۷/۸۸	۲۰/۱۹	۹/۷۵	۰/۵۵	۱۰۰
اعتماد به نهادهای سیاسی	۲۰/۵۵	۱۵/۷۸	۳۱/۵۶	۲۰/۱۷	۱۱/۴۴	۰/۵	۱۰۰
کل	۱۸/۳	۱۵/۸۲	۳۴/۵۲	۲۰/۱۸	۱۰/۶۴	۰/۵۲	۱۰۰

توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب میزان اعتماد سیاسی در جدول شماره ۳ آمده است. یافته‌های جدول مذکور نشان می‌دهد که تقریباً ۳۲ درصد پاسخگویان به کنشگران سیاسی، اعتماد کم و خیلی کمی دارند. در مقابل؛ اعتماد ۳۰ درصد آنان به کنشگران سیاسی، زیاد و خیلی زیاد است. همچنین؛ ۳۶ درصد پاسخگویان به نهادهای سیاسی، اعتماد کم و خیلی کمی دارند در حالی که اعتماد ۳۲ درصد آنان به این نوع نهادها، زیاد و خیلی زیاد است. در مجموع می‌توان گفت که اعتماد سیاسی ۳۴ درصد افراد کم و خیلی کم است و در مقابل؛ ۳۱ درصد افراد دارای اعتماد سیاسی زیاد و خیلی زیادی هستند.

جدول شماره ۴: میانگین مشارکت سیاسی و انواع اعتماد سیاسی

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	میانگین از ۵	میانگین به درصد
اعتماد به کنشگران سیاسی	۱۹۱	۲۳/۳۷	۷/۳۲	۲/۹۲	۵۸/۴۲
اعتماد به نهادهای سیاسی	۱۹۱	۲۵/۶۸	۸/۹۷	۲/۸۵	۵۷/۰۷
اعتماد سیاسی کل	۱۸۲	۴۸/۷۷	۱۵/۷۳	۲/۸۷	۵۷/۳۸
مشارکت سیاسی	۱۹۸	۱۲/۴۲	۳/۳۲	۴/۱۴	۸۲/۸

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که میانگین اعتماد به کنشگران سیاسی ۲۳/۳۷ از ۴۰، میانگین اعتماد به نهادهای سیاسی ۲۵/۶۸ از ۴۵، میانگین اعتماد سیاسی کل ۴۸/۷۷ از ۸۵ و میانگین مشارکت سیاسی ۱۲/۴۲ از ۱۵ می‌باشد.

مقایسه این میانگین‌ها (بعد از تبدیل به درصد) نشان می‌دهد که بالاترین میزان (۸۲/۸ درصد) به مشارکت سیاسی و کمترین میزان (۵۷/۰۷ درصد) به اعتماد به نهادهای سیاسی اختصاص دارد.

#### ۱۰- نتایج استنباطی

جهت مقایسه میانگین اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان عضو بسیج و انجمن اسلامی، از آزمون  $t$  استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۵ آمده است. یافته‌های جدول مذکور نشان می‌دهد که:

۱) تفاوت میانگین اعتماد به کنشگران سیاسی اعضای انجمن اسلامی و بسیج، معنادار است و میانگین اعتماد به کنشگران سیاسی دانشجویان بسیجی بیشتر از دانشجویان عضو انجمن اسلامی است. میزان تفاوت نیز تقریباً ۲۳ درصد می‌باشد.

۲) تفاوت میانگین اعتماد به نهادهای سیاسی اعضای بسیج و انجمن اسلامی، معنادار است و میانگین اعتماد اعضای بسیج به این گونه نهادها بیشتر از اعتماد اعضای انجمن اسلامی است. میزان این تفاوت تقریباً ۳۰ درصد می‌باشد.

۳) تفاوت میانگین اعتماد سیاسی اعضای انجمن و بسیج، معنادار است و میزان اعتماد سیاسی اعضای بسیج بیشتر از اعتماد اعضای انجمن اسلامی می‌باشد. میزان این تفاوت تقریباً ۲۶ درصد است. لذا می‌توان گفت که این فرضیه تحقیق که بین میانگین اعتماد سیاسی اعضای بسیج و انجمن اسلامی تفاوت معناداری وجود دارد، تأیید می‌شود.

۴) تفاوت میانگین مشارکت سیاسی اعضای بسیج و انجمن اسلامی، معنادار است و میانگین مشارکت سیاسی اعضای بسیج بیشتر از اعضای انجمن اسلامی است. میزان این تفاوت تقریباً ۲۶ درصد می‌باشد. لذا این فرضیه تحقیق که تفاوت میانگین مشارکت سیاسی اعضای انجمن اسلامی و بسیج معنادار است، تأیید می‌شود.

جدول شماره ۵. خروجی آزمون T جهت مقایسه میانگین مشارکت سیاسی و اعتماد سیاسی پاسخگویان دو تشکل

متغیر	گروه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
اعتماد به کنشگران سیاسی	انجمن اسلامی	۹۶	۱۸/۷۳	۶/۱۴	-۱۱/۴۱۷	۰/۰۰۰
	بسیج دانشجویی	۹۵	۲۸/۰۵	۵/۱۱		
اعتماد به نهادهای سیاسی	انجمن اسلامی	۹۷	۱۹/۰۵	۶/۱۵	-۱۵/۷۱۱	۰/۰۰۰
	بسیج دانشجویی	۹۴	۳۲/۵۲	۵/۶۸		
اعتماد سیاسی کل	انجمن اسلامی	۹۳	۳۷/۸۶	۱۱/۷۱	-۱۳/۵۹۳	۰/۰۰۰
	بسیج دانشجویی	۸۹	۶۰/۱۷	۱۰/۴۱		
مشارکت سیاسی	انجمن اسلامی	۹۹	۱۰/۴۸	۳/۵۳	-۱۰/۱۰۴	۰/۰۰۰
	بسیج دانشجویی	۹۹	۱۴/۳۶	۱/۴۶		

جدول شماره ۶. خروجی آزمون T جهت مقایسه میانگین انواع مشارکت سیاسی پاسخگویان دو دانشگاه

متغیر	دانشگاه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
اعتماد به کنشگران سیاسی	مازندران	۱۴۳	۲۳/۰۹	۷/۳۲	-۰/۸۹۸	۰/۳۷۱
	نوشیروانی بابل	۴۸	۲۴/۱۹	۷/۳۴		
اعتماد به نهادهای سیاسی	مازندران	۱۴۲	۲۵/۵۸	۸/۷۹	-۰/۲۵۱	۰/۸۰۲
	نوشیروانی بابل	۴۹	۲۵/۹۶	۹/۵۶		
اعتماد سیاسی کل	مازندران	۱۳۵	۴۸/۳۹	۱۵/۶۴	-۰/۵۴۶	۰/۵۸۶
	نوشیروانی بابل	۴۷	۴۹/۸۵	۱۶/۱۱		
مشارکت سیاسی	مازندران	۱۴۸	۱۲/۳۵	۳/۳۸	-۰/۵۳۰	۰/۵۹۷
	نوشیروانی بابل	۵۰	۱۲/۶۴	۳/۱۷		

خروجی آزمون t جهت مقایسه میانگین اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه مازندران و نوشیروانی بابل در جدول شماره ۶ آمده است. نتایج جدول مذکور نشان می‌دهد که بین دو دانشگاه مازندران و نوشیروانی بابل از نظر اعتماد به کنشگران و نهادهای سیاسی، اعتماد سیاسی کل و مشارکت سیاسی، تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول شماره ۷. ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر مشارکت سیاسی به تفکیک شکل‌ها

متغیر مستقل	انجمن اسلامی			بسیج دانشجویی			کل		
	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اعتماد به کنشگران سیاسی	۹۵	۰/۴۶۷	۰/۰۰۰	۹۴	۰/۰۹۲	۰/۳۷۸	۱۸۹	۰/۵۹۵	۰/۰۰۰
اعتماد به نهادهای سیاسی	۹۶	۰/۴۰۳	۰/۰۰۰	۹۳	۰/۰۳۹	۰/۷۱۲	۱۸۹	۰/۵۹۵	۰/۰۰۰
اعتماد سیاسی کل	۹۲	۰/۴۶۸	۰/۰۰۰	۸۸	۰/۰۵۷	۰/۵۹۹	۱۸۰	۰/۶۱۱	۰/۰۰۰

ضرایب همبستگی انواع اعتماد سیاسی با متغیرهای مشارکت سیاسی به تفکیک عضویت در بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی و کل در جدول شماره ۷ آمده است. با توجه به سطوح معناداری مشاهده شده می‌توان گفت که گرچه در مورد انجمن اسلامی، بین اعتماد به کنشگران و نهادهای سیاسی و کل با مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معناداری برقرار است اما در مورد بسیج دانشجویی این رابطه معنادار نیست. در کل می‌توان گفت که رابطه مثبت و معناداری بین اعتماد به کنشگران و نهادهای سیاسی و کل با مشارکت سیاسی برقرار است.

با استفاده از رگرسیون خطی ساده تلاش شده است تا تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی در دانشجویان عضو بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی به تفکیک و کل مورد بررسی قرار گیرد که نتایج آن در جداول ۸، ۹، ۱۰ آمده است.

جدول شماره ۸. رگرسیون خطی ساده بین اعتماد سیاسی با مشارکت سیاسی (انجمن اسلامی)

سطح معناداری	مقدار T	ضرایب استاندارد شده (Beta)	ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )	ضرایب استاندارد نشده		متغیر مستقل
				خطای معیار (Std.Error)	ضریب رگرسیونی (B)	
۰/۰۰۰	۴/۵۷۹			۱/۱۱۳	۵/۱۱۳	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۵/۰۱۸	۰/۴۶۸	۰/۲۱۹	۰/۰۲۸	۰/۱۴۱	اعتماد سیاسی

سطوح معناداری مشاهده شده آزمون t در جدول شماره ۸ حاکی از آن است که تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان عضو انجمن اسلامی معنادار است و این متغیر مستقل تقریباً ۲۲ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی دانشجویان عضو انجمن اسلامی را تبیین می‌کند.

جدول شماره ۹. رگرسیون خطی ساده بین اعتماد با مشارکت سیاسی (بسیج دانشجویی)

سطح معناداری	مقدار T	ضرایب استاندارد شده (Beta)	ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )	ضرایب استاندارد نشده		متغیر مستقل
				خطای معیار (Std.Error)	ضریب رگرسیونی (B)	
۰/۰۰۰	۱۴/۶۹۶			۰/۹۴۵	۱۳/۸۸۴	مقدار ثابت
۰/۵۹۹	۰/۵۲۷	۰/۰۵۷	۰/۰۰۳	۰/۰۱۵	۰/۰۰۸	اعتماد سیاسی

با توجه به سطوح معناداری مشاهده شده آزمون T در رگرسیون خطی ساده که در جدول شماره ۹ آمده است می‌توان گفت که تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان عضو بسیج دانشجویی، معنادار نیست. در توضیح این موضوع می‌توان گفت که شاید این عدم تأثیرگذاری برگردد به این مسأله که دانشجویان عضو بسیج دانشجویی، مشارکت سیاسی (شرکت در انتخابات) را وظیفه خود می‌دانند و نسبت به آن (در خود) تعهد دینی یا سیاسی احساس می‌کنند. در این حالت است که اعتماد نمی‌تواند بر مشارکت سیاسی تأثیرگذار باشد.

جدول شماره ۱۰. رگرسیون خطی ساده بین اعتماد سیاسی با مشارکت سیاسی (کل دانشجویان)

سطح معناداری	مقدار T	ضرایب استاندارد شده (Beta)	ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )	ضرایب استاندارد نشده		متغیر مستقل
				خطای معیار (Std.Error)	ضریب رگرسیونی (B)	
۰/۰۰۰	۹/۲۴۶			۰/۶۴۹	۶/۰۰۲	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۰/۲۹۶	۰/۶۱۱	۰/۳۷۳	۰/۰۱۳	۰/۱۳۰	اعتماد سیاسی

سطوح معناداری آزمون T در جدول شماره ۱۰ کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد و این بدان معنا است که اعتماد سیاسی تأثیر معناداری بر مشارکت سیاسی دانشجویان دارد و می‌تواند تقریباً ۳۷ درصد از تغییرات

مشارکت سیاسی آنها را توضیح دهد. لذا این فرضیه تحقیق که افزایش اعتماد سیاسی موجب افزایش مشارکت سیاسی می‌شود، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۱۱. رگرسیون خطی چند متغیره بین متغیرهای مستقل با مشارکت سیاسی (کل دانشجویان)

سطح معناداری	مقدار T	ضرایب استاندارد شده (Beta)	ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )	ضرایب استاندارد نشده		متغیر مستقل
				خطای معیار (Std.Error)	ضریب رگرسیونی (B)	
۰/۰۰۰	۸/۷۹۰			۰/۶۷۱	۵/۸۹۸	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۰/۰۹۶	۰/۶۰۳	۰/۳۶۴	۰/۰۲۸	۰/۲۷۹	اعتماد به کنشگران سیاسی

جهت مقایسه میزان تأثیر گذاری اعتماد به کنشگران سیاسی و اعتماد به نهادهای سیاسی بر مشارکت سیاسی از رگرسیون خطی چند متغیره به شیوه گام به گام استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۱۱ آمده است.

یافته‌های جدول مذکور نشان می‌دهد که از میان دو متغیر وارد شده به معادله، متغیر اعتماد به کنشگران سیاسی در معادله باقی مانده و متغیر اعتماد به نهادهای سیاسی از معادله خارج شد. و این نشان می‌دهد که در تبیین مشارکت سیاسی دانشجویان، اهمیت اعتماد به کنشگران سیاسی بسیار بیشتر از اعتماد به نهادهای سیاسی است.

لازم به ذکر است که مدل مذکور تقریباً ۳۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته مشارکت سیاسی دانشجویان را تبیین می‌کند.

### ۱۱- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی است. جامعه آماری آن نیز دانشجویان عضو بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی دانشگاه‌های مازندران و نوشیروانی بابل می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین اعتماد سیاسی کل ۲/۸۷ از ۵ و میانگین مشارکت سیاسی ۴/۱۴ از ۵ می‌باشد. همچنین میانگین مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری (۴/۳۶ از ۵) بیشتر از میانگین مشارکت در انتخابات مجلس (۴/۰۶ از ۵) و شورای شهر و روستا (۳/۹۸ از ۵) می‌باشد.

یافته‌ها حاکی از آن است که بین میانگین اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان عضو بسیج دانشجویی و دانشجویان عضو انجمن اسلامی تفاوت معناداری وجود دارد در حالی که تفاوت میانگین اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی بین دانشجویان دانشگاه مازندران و دانشجویان دانشگاه نوشیروانی بابل معنا دار نیست. همچنین ضریب همبستگی دو متغیر اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی ۰/۶۱ می‌باشد که با توجه به سطح معناداری می‌توان گفت این رابطه معنادار است. این نتیجه تأییدکننده تحقیقات پیشین از



جمله پژوهش خوش فر است. در رگرسیون خطی نیز مشخص گردید که اعتماد سیاسی تأثیر معناداری بر مشارکت سیاسی دارد. همچنین متغیر اعتماد سیاسی  $37/3$  درصد تغییرات متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) را توضیح می‌دهد.

از آنجا که چارچوب نظری منتخب در این پژوهش نظریه پاتنام می‌باشد با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که نظریه ایشان مورد تأیید قرار می‌گیرد.

در مجموع چند یافته با ارزش در این تحقیق وجود دارد:

۱. میزان اعتماد تقریباً  $32$  درصد پاسخگویان به نهادهای سیاسی زیاد و خیلی زیاد می‌باشد. در مورد اعتماد به کنشگران سیاسی این میزان به تقریباً  $30$  درصد می‌رسد. این یافته تأییدکننده یافته‌های پناهی می‌باشد. نتایج تحقیقات این محقق نشان می‌دهد که میزان اعتماد به نهادهای سیاسی بیشتر از اعتماد به کنشگران سیاسی است.

۲. میزان اعتماد تقریباً  $32$  درصد افراد به کنشگران سیاسی خیلی کم و کم می‌باشد در مورد اعتماد به نهادهای سیاسی نیز باید گفت که این رقم به تقریباً  $36$  درصد می‌رسد. در مجموع نیز میزان اعتماد سیاسی  $34$  درصد افراد کم و خیلی کم می‌باشد. با توجه به اهمیتی که اعتماد می‌تواند در مشروعیت نظام سیاسی داشته باشد، باید گفت که اعتماد سازی و تلاش در جهت بهبود آن از سوی نظام سیاسی ضروری به نظر می‌رسد.

۳. میزان مشارکت سیاسی ( $83/$ ) بالاتر از میزان اعتماد سیاسی ( $57/$ ) می‌باشد. با توجه به ضریب تبیین مشارکت سیاسی از سوی اعتماد سیاسی ( $R^2=37/3$ ) باید گفت که نظام سیاسی باید تلاش بیشتری را جهت افزایش میزان اعتماد در جامعه انجام دهد.

۴. مقایسه میانگین اعتماد بین دانشجویان عضو بسیج دانشجویی ( $60/17$ ) و دانشجویان عضو انجمن اسلامی ( $37/86$ ) بیانگر این است که شکاف عمیقی بین این دو تشکل دانشجویی وجود دارد و میانگین اعتماد سیاسی اعضای انجمن اسلامی در سطح پائینی قرار دارد. لذا باید تدابیری اندیشیده شود تا میزان اعتماد سیاسی آنان افزایش یابد.

۵. در تحلیل رگرسیونی مشخص گردید که تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان عضو انجمن اسلامی معنادار است اما تأثیر این متغیر بر مشارکت سیاسی دانشجویان عضو بسیج دانشجویی معنادار نیست. در تبیین این موضوع باید گفت که احساس وظیفه می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در مشارکت سیاسی آنها داشته باشد. چرا که آنها در قبال مشارکت سیاسی به یک نوع تعهد مذهبی یا سیاسی پایبندند. تقویت این نوع تعهد از سوی نظام سیاسی می‌تواند زمینه مشارکت بیشتر افراد را در عرصه سیاست فراهم نماید.

۶. در رگرسیون خطی چند متغیره مشخص گردید که وقتی دو متغیر اعتماد به نهادهای سیاسی و اعتماد به کنشگران سیاسی به طور مستقل وارد معادله می‌شوند، تأثیر اعتماد به کنشگران سیاسی بر مشارکت سیاسی پاسخگویان معنادار است اما تأثیر اعتماد به نهادهای سیاسی بر مشارکت سیاسی معنادار نیست.

۷. بر اساس دیدگاه پاتنام عضویت در گروه‌های حرفه‌ای باعث افزایش اعتماد و در نتیجه افزایش مشارکت و همکاری می‌شود که این دیدگاه در تحقیق ابراهیمی و محمودی تأیید شده است (ابراهیمی و محمودی، ۱۳۸۷).

متناهی نکته‌ای که در تحقیق حاضر قابل تأمل است و تا حدودی با نظر پاتنام همخوانی ندارد این است که صرف عضویت در گروه‌ها نمی‌تواند باعث افزایش اعتماد و در نتیجه همکاری بیشتر شود. بلکه نوع گروهی که افراد در آن عضویت می‌یابند نیز باید مورد توجه قرار گیرد. زیرا همانطور که یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد، عضویت در دو تشکل متفاوت دانشجویی (انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی) باعث میزان‌های متفاوتی از اعتماد و مشارکت سیاسی شده است.

#### فهرست منابع:

۱. آبرکرامبی، نیکلاس و دیگران، ۱۳۷۶، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، چاپخس، تهران.
۲. ابراهیمی، قربانعلی و محمودی، کریم، ۱۳۸۷، بررسی تأثیر عضویت و شرکت در انجمن‌ها و گروه‌ها بر میزان اعتماد: مطالعه موردی مهندسان عضو کانون مهندسين شهر آمل، در دست انتشار.
۳. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلام رضا، ۱۳۸۰، بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۹.
۴. بشیریه، حسین، ۱۳۸۵، جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، نشر نی، تهران.
۵. بشیریه، حسین، ۱۳۷۷، مشارکت، رقابت و توسعه سیاسی، مجموعه مقالات مشارکت سیاسی، تهران، نشر سفیر.
۶. پناهی، محمد حسین و عالی زاد، اسماعیل، ۱۳۸۴، تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸ و ۲۹، صص ۸۹-۱۳۱.
۷. پناهی، محمدحسین و شایگان، فریبا، ۱۳۸۶، اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۷

۸. پیران، پرویز و موسوی، میرطاهر و شیانی، ملیحه، ۱۳۸۵، کار پایه‌ی مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران)، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، ۲۳.
۹. تاجیخ، کیان، ۱۳۸۴، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، نشر شیرازه، تهران.
۱۰. حسینی، سید علی‌اصغر، ۱۳۸۱، مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی، نشر حیب، قم.
۱۱. خوش‌فر، غلامرضا، ۱۳۸۷، تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی: مطالعه موردی استان گلستان، پایان‌نامه مقطع دکترای جامعه‌شناسی، استاد راهنما: محمدحسین پناهی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
۱۲. دال، رابرت، ۱۳۷۴، تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسن ظفریان، نشر مترجم، تهران.
۱۳. راش، مایکل، ۱۳۸۱، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات سمت، تهران.
۱۴. ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، مؤسسه کیهان، تهران.
۱۵. ساعی، علی، ۱۳۸۱، تحلیل آماری در علوم اجتماعی با نرم افزار SPSS for windows (در آمدی بر روش تحقیق اجتماعی)، انتشارات کیان مهر، تهران.
۱۶. شارع‌پور، محمود، ۱۳۸۵، سرمایه‌اجتماعی: مفهوم‌سازی، سنجش و دلالت‌های سیاست‌گذاری، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مازندران، ساری.
۱۷. شایگان، فریبا، ۱۳۸۷، بررسی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی، فصلنامه دانش سیاسی، سال چهارم، شماره یک (پیاپی ۷).
۱۸. طالقانی، محمود، ۱۳۸۱، روش تحقیق نظری (رشته علوم اجتماعی)، انتشارات پیام نور، تهران.
۱۹. محسنی تبریزی، علی‌رضا، ۱۳۸۰، یگانگی، مانعی برای توسعه ملی، نامه پژوهش، سال اول، شماره یک.
۲۰. نیوتن، کنت، ۱۳۸۰، اعتماد سیاسی - اعتماد اجتماعی، ترجمه مهدی صادقی، نشریه همبستگی.
۲۱. وثوقی، منصور و هاشمی، عبدالرسول، ۱۳۸۳، روستائیان و مشارکت سیاسی در ایران: مطالعه موردی روستاهای حومه شهرستان بوشهر (چاه کوتاه، آب‌طویل، تل اشکی)، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره (۴۲-۴۱)، صص ۱۸۶-۱۶۱.

22. Ji- Yong Kim, "Bowling Together" isn't a Cure-All: The Relationship between Social Capital and Political Trust in South Korea, *International Political Science Review*, Vol 26, No. 2, 193-213 (2005).

- 
23. Crete, Jean and Pelletier, Rejean and Couture, Jerome (2006), Political Trust in Canada: What Matters: Politics or Economics? Paper Prepared for Delivery at the Annual Meeting of the Canadian Political Science Association, York University, Toronto, Ontario, June 1- 4.